

سفر سنگ

زنده باد سینما



■ اگر اندکی، فقط اندکی، دچار توهم باشی، از جواز متعدد، به‌ویژه مهم‌ترین آن اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی، سوای هر نوع نقد مضمونی و بعضا ساختاری که بر آن وارد بدانیم، به وجد می‌آیی و از خوشحالی در پوست نمی‌گنجی. دستاوردی که در شرایطی طبیعی و متعادل و خردمدار باید علاوه بر تدارک مراسم تقدیر از سازندگان آن، منجر به برگزاری نشست‌ها و سمینارهایی برای جمع‌بندی نتایج و مزایای این دستاورد و برنامه‌ریزی برای برداشتن قدم‌هایی تازه‌تر و محکم‌تر شود، مثلا در زمینه بخش جهانی فیلم‌های برگزیده و شایسته سینمای ایران، در فضای مطلوب حاصل از این موفقیت تازه به دست آمده اما این توهم قلعاً دربار خود جایزه اسکار نیست که در واقع مهم‌ترین جایزه سینمایی در دنیاست، حتی مهم‌تر از «اَن»، «برلین» و «وینز» آن هم به یک دلیل ساده اما معتبر، چراکه متکی و برخاسته از صنعت سینما و رای نمایندگان صنف‌های سینمایی است و این با وجود هر نوع شباهه لای‌گری در گزینش‌های اسکار است. کجا لای نمی‌شود اولا بعد هم حداقلش این است که این لایِ توجیه یک سینمای استاندارد حرف‌های و تاثیرگذار بر مخاطب عام را به همراه دارد، ثابیا اما این توهم اندک نیز چندان دوام نمی‌آورد و با انتخاب فیلم‌های ویژه اکران نوروز و جنجال‌های متعاقب آن، همچون سیلی محکم، متوهم را به هوش می‌آورد. وقتی مسوولان محترم امور سینمایی، تذکرات درمندانله و دلسوزانه بخش مهمی از تهیه‌کنندگان و فیلمسازان باسابقه سینمای ایران را واقعی نمی‌گذارند و شتابزده صنف دولتی تهیه‌کنندگان را تأسیس می‌کنند و امتیازهای مهمی بر دوش این زیرمجموعه خود بار می‌کنند (امور اجرایی صدور پروانه ساخت و علمداری شورای صنفی اکران) و نیز دستور به تعطیلی خانه سینما می‌دهند(خانه‌ای که یکی از ارزشمندترین دستاورد‌های سینمای ایران در امور صنفی است و حداقل دلخوشی دست‌اندرکاران سینما نتیجه‌اش همین می‌شود که اولا نامناسب‌ترین ترکیب و آرایش اکران نوروزی شکل می‌گیرد، ثابیا با عدم موفقیت در مدیریت هوشمندانه و اصولی جنجال‌ها و اعتراض‌ها نسبت به برخی از این فیلم‌های نوروزی، لطمه‌ای جدی به سینمای ایران در سال ۹۱ پاه‌ریزی می‌شود.

تخصص و هوش زیادی نمی‌خواهد که دریابید این جنجال‌ها و اعتراض‌ها اساسا ریشه در دعوای سیاسی و جناحی دارد، اما چه عواملی به این جنجال‌ها امکان بروز می‌دهد:

۱- همان بی‌تدبیری و کج سلیقگی در آرایش اکران.

۲- یادمان نرفته که همین مسوولان محترم، با صدور بخشنامه به مقامات مسوول استان‌ها مجوز



اکران یا عدم اکران برخی فیلم‌ها را دادند و زمینه را برای اشاعه نظری‌های غیر کارشناسی فراهم کردند. ۳- عدم تعامل با اهالی سینما به ویژه دلسوزخانگن. و در تصادم این بی‌تدبیری در مقابل اعلان اخیر حوزه هنری مبنی بر اینکه حدود ۱۵ فیلم از فیلم‌های سال جاری را اکران نمی‌کند، می‌گوید مشکلی نیست، اختیار دارید. در حالی که از حوزه هنری باید پرسید «آیا تمام فیلم‌هایی که تاکنون و طی سال‌های متعددی در سال‌های زیرمجموعه خود به نمایش درآورده، فیلم‌های برگزیده سینمای ایران بوده‌اند؟ آیا می‌شود این ظرفیت مهم نمایشی سینمای ایران را به حال خود واگذار کنیم که چه دوست دارد نمایش دهد و هر چه دوست ندارد نه؟» چرا که در این حالت دیگر سنگ روی سنگ سینمایی ما بند نمی‌شود و دیگر تردیدی باقی نمی‌ماند که دارند همگی دست به دست هم داده، عائدانه تیشه به ریشه سینمای مظلوم می‌زنند. اما در این بهار طبیعت، با وجود همه تلخکمی‌ها و «بهرای ارغوانی» آیا نباید امید به روزنه‌های نور داشت؟

آیا دیگر امکان بازگشت و تصحیح و تعدیل نیست؟ آیا دیگر گوش‌های شونا و چشمان دلسوز نیست؟ آیا دیگر عشق به سینما، این والاترین هنر تعالی‌بخش روح آمیزد نیست؟ آیا امکان بازگشایی در‌های سینما نیست؟ آیا امکان بازگشت اهالی به خانه خود نیست؟ آیا امکان جایگزینی «مرگ بر» با «زندباد» نیست؟ امکانش باشد یا نباشد، «زندباد سینما».

اختلاف‌هایی که بین حوزه هنری با وزارت ارشاد رخ داده است، تازگی ندارد. از اولین سال‌های شکل‌گیری این نهاد که مجموعه‌ای از نیروهای جوان انقلابی آن را با عنوان «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» آغاز کردند، تا اکنون که بیش از ۲۳ سال گذشته است این اختلافات رخ می‌داده و به اوج می‌رسیده است. هر چند وقت یکبار این تفاوت نظر‌ها که گاه ریشه‌ای‌تر بود با نهاد وزارت فرهنگ و ارشاد که ساختاری نسبتا بروکراتیک در عرصه تصمیم‌گیری هنری داشته است، عرصه را برای سینماگران سخت می‌کرد. در آن روزها جوانان انقلابی که سینما را همچون ابزاری برای تبلیغات ایدئولوژیک ارزیابی می‌کردند، به اغلب فیلمسازان قدیمی که وزارت فرهنگ و ارشاد به آنان اجازه ساخت فیلم داده بود، خوش‌بین نبودند و آثار تولیدشده را منطبق با الگوی هنر اسلامی نمی‌دانستند. حتی پیش از آمدن سیدمحمد خاتمی و تکیه زدنش بر صندلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۶۱ نیز میان این دو نهاد اختلاف‌هایی بروز کرد؛ اختلاف‌هایی که به سرعت در مطبوعات سینمایی و سیاسی منعکس می‌شد. با توجه به طولانی بودن دوره وزارت خاتمی، این دعوا با تحولاتی روبه‌رو شد. آدم‌های این دعوا در آن سال‌ها جابه‌جا شدند، گروهی از نویسندگان و هنرمندان و فیلمسازان از حوزه هنری جدا شدند و پیلایه‌هایشان در روزنامه کیهان که آن سال‌ها تحت مدیریت سیدمحمد خاتمی اداره می‌شد، منعکس می‌شد؛ بیانه‌هایی که در آن به راست‌گرای‌های حوزه هنری می‌تاختند. یکی از کسانی که در این جدایی نقش مهمی ایفا کرد، فیلمساز انقلابی آن روزها بود که نقدهای تند و تیزش به سینماگران پیش از انقلاب مشهور است. با کوچیدن گروهی از هنرمندان و سینماگران از حوزه هنری، این دعوا تمام نشد، بلکه شکلی شدیدتر به خود گرفت و کسان دیگری این دعوا را ادامه دادند. یکی از جدی‌ترین مخالفان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دوره سیدمحمد خاتمی شهید سیدمر تقی آوینی بود. او که سردبیر مجله سوره بود با نوشتن نقدهای تند و تیز به عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد و همچنین نقد عملکرد روشنفکران و آثارشان باعث شد که وزارت ارشاد به مصطفی میرسلیم سپرده شود تا این دعوا در آغاز کمرنگ شود، اما در اواخر حاکمیت اصولگرایان بر وزارت ارشاد، بار دیگر این دعوا اوج گرفت.

در سال‌هایی که اصولگرایان مدیریت فرهنگ و هنر کشور را هم در وزارت ارشاد و هم در نهادهای دیگر از جمله حوزه هنری در دست داشتند، رفته‌رفته حوزه هنری دچار تحول شده بود. این تحول باعث شد که بار دیگر اختلاف‌هایی میان این نهادها شکل بگیرد، اما این بار جای دعوا عوض شده بود. در حالی که پیشتر در این دعوا حوزه هنری متولی دفاع از ارزش‌های انقلابی

منیژه حکمت مطرح کرد

انتقاد از رفتارهای فراقانونی در سینما

فاطمه عسگری آراد

اکران نوروزی، همیشه زمان طلایی سینما بوده، زمانی که سینماداران، تهیه‌کنندگان و اهالی سینما به گیشه‌ها چشم می‌دوختند و با توجه به آمار فروش برای سال پیش رو برنامه‌ریزی می‌کردند. اما اکران فیلم‌های نوروز امسال حاشیه‌هایش بر متن غلبه کرد. هرچند طر فکین درگیر هر کدام از منظر خود ماجرا را بررسی می‌کنند و این موضوع باعث می‌شود فاصله‌ها بیشتر شود. گپی با منیژه حکمت در این‌باره داشته‌ایم.

● ● ●

حال سینما چطور است؟

حال سینما بد و خراب است. من به عنوان یک فرد از اهالی سینما از مسوولان سینمایی می‌خواهم که پول‌هایی که در این دو سال بنیاد فارابی، رسانه‌های تصویری و بخش‌های مختلف ارشاد و زیرمجموعه‌شان به افراد مختلفی داده‌اند را اعلاّم کنند. تنها در این شرایط است که روشنگری می‌شود و بسیاری از مسائل اعلام می‌شود. مجموعه اتفاقاتی که در طی این دو سال برای سینما افتاده و ماجرای اکران نوروزی که اتفاق وحشتناکی برای سینماست منجر به نابودی سینما خواهد شد. متأسفانه با اکران عیدی که چیده شد به بدنه سینما ضربه وارد شد و بدون پاسخگویی و با سفسطه دارند از کنار موضوع می‌گذرند.

۴ عید امسال برای اولین بار شاهد بودیم فیلم‌هایی که دارای مجوز نمایش هستند از سینما‌ها‌برداشته‌شدند.

در بدنه صنف برخلاف مطبوعات و رسانه‌ها همه چیز روشن و شفاف است. تصمیم گرفته شده بود که فیلم دوستان حامی شورای صنفی و دوستان اتحادیه تهیه‌کننده‌ها حتما در عید که زمان طلایی اکران است روی پرده سینما بروند. از بین ۱۵ فیلم نوروزی ۱۰ فیلم سیاهی‌لشکر و پنج فیلم هم متعلق به دوستان خودشان بود. فیلم‌هایی که از نظر جامعه و دید عده‌ای مساله داشتند را به دلیل منافع خودشان اکران کردند. اکران خوب نوروز که هر سال برای سینماداران، اهالی سینما و مجموعه عوامل تولید و پخش، عید به شمار می‌رفت را عزا کردند. سیاست‌گذاری مسوولان سینمایی است که اوضاع را به این شکل رقم زده، کسانی که به این فیلم‌ها بودجه، پروانه و امکانات دادند امروز باید پاسخگوی این همه اعتراضات باشند. در این درگیر‌های سیاسی و جناجبندی‌های سیاسی سینماست که قربانی می‌شود.

۵ مشکلاتی که شاهد آن هستیم به نوعی شبیه صفا آرای است؛ ارشاد، شورای صنفی، حوزه هنری هر کدام حرف خود را می‌زند و تصمیم خود

مروری بر اختلافات حوزه هنری و وزارت ارشاد از آغاز تا امروز

قربانی همیشگی

گیسو فغفوری



عین سینما

سیدمحمد خاتمی بار دیگر به عرصه سیاست کشور و این بار در قامت رییس‌جمهور بازگشت تا امکان نمایش عمومی این فیلم‌ها فراهم شود.

با روی کار آمدن اصلاح‌طلبان اگرچه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز فیلم‌های توقیف‌شده و از جمله فیلم «ادهرفی» را صادر کرد، اما آن دعوا این بار نیز به شکل دیگری ادامه یافت و گروهی که برخی از آنان ایسن روز‌ها از کارگردانان سینمای ایران اضافه نمی‌کند، جزو توقیق همان موج ابتدایی که چند سالی است گریبان سینمای ایران را گرفته است. در هر حال قربانی همیشگی این دعو‌ها سینماست

این حادثه توضیح داده است. با این حال وقتی هم که اصلاح‌طلبان به قدرت رسیدند، این دعو‌ها میان حوزه هنری و وزارت ارشاد به

شکلی ملایم‌تر گاهی‌گی بروز می‌کرد، اما اقتدر‌ها جدی نبود که پایش به خیر‌ها کشیده‌شود، اما نهادهای دیگری جای حوزه هنری را در این دعوا گرفته بودند و حتی به حوزه هنری و مدیریت آن نیز می‌تاختند که از ارزش‌ها فاصله گرفته‌اند و گویا همین نقدها باعث تغییر مدیریت حوزه هنری شد. با وجود تغییر مدیریت حوزه هنری در دوران وزارت احمد مسجدجامعی این اختلافات در حد اختلاف‌های معمول میان نهادهای اداری که ارزش خبری ندارد، کمرنگ شد، اما در سال‌های بعدتر درست در زمانی که گمان می‌رفت، حوزه هنری و وزارت ارشاد اینقدر به هم نزدیک شده‌اند که هیچ اختلافی میان‌شان بروز نخواهد کرد، در موضعی غیرسینمایی یعنی بر سر انتشار لوح فشرده موسیقی نیز چنین اختلافی رخ داده؛ اختلافی که خیلی زود جمع و جور شد و ادامه نیافت.

این اختلاف‌نظر‌ها با وجود ماهیت متفاوت‌شان از نظر شکل به هم شباهت جدی دارند. در حالی که طبق مقررات مسوول صدور مجوز فیلم‌های سینمایی وزارت ارشاد است، اما حوزه هنری که میراث‌دار حدود یک‌سوم سینماهای مصادره‌شده و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفته روز‌های بعد از انقلاب شده بود، در زمینه پخش فیلم صاحب قدرتی است که می‌تواند در برابر وزارت ارشاد تمکین نکند و نمایش عمومی هر فیلمی را دچار مشکل کند. بسیاری از منتقدان و سینماگران دوست ندارند، به طرفین این ماجرا ببینوند، زیرا ریشه این اختلافات را بیرون از سینما و در اختلاف داخلی دو جناح از جریان حاکم بر کشور ارزیابی می‌کنند، اما ترکش‌های این دعوا به زودی سینما را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در یک سوی این دعوا دو فیلم قرار دارد که به جریان مبتذل سینمای ایران وابسته است که در دو دوره اخیر مدیریت سینمایی اوج گرفته است و در سوی دیگر این ماجرا حوزه هنری قرار دارد که انحصار ۹۰ سینما را در کشوری که کل سینماهای فعالش چندان زیاد نیست در دست دارد.

اگر حوزه هنری در این اختلافات موفق شود، امنیت سرمایه‌گذاری در سینما‌زیر سوال می‌رود. سرمایه‌گذار در سینما احساس عدم امنیت می‌کند. مجوز وزارت ارشاد پرفروش هستند، با تصمیم نمی‌کند. از یک سو سینماگر ملزم به دریافت این مجوز است و ایسن یعنی اینکه خود قدرت تشخیص خوب از بد و درست از نادرست را ندارد و مسوولیت محتوای فیلم با وزارت ارشاد و مرجع صادرکننده مجوز است و از سوی دیگر اگر وزارت ارشاد در این اختلاف پیروز شود، چیزی به سینمای ایران اضافه نمی‌کند، در هر حال قربانی همیشگی این دعو‌ها سینماست؛ سینمای ارزشمندی که این روز‌ها سخت‌جانی سینماگران و تجربه‌ها و دانش فردی آنان، آن را سرا پا نگه داشته است!

عمودی:

۱- ساززن- جمع‌کننده -تکیه‌گاه ۲- از کشورهای آفریقایی -بشپیمان -قاتل امام هادی ۳- همراه رفت - خبرهای نادرست- آهنگر ۴- مراقبان-اکسید آلومینیوم ۵- طرز لباس پوشیدن -از وزرای نامی فرانسه در قرن هفدهم- پارچ‌های استریل که روی زخم می‌گذارند ۶- حرف فاصله - نویسنده روسی تاراس بولبا- صدای بیماری سینه -نام دلون بازگیر ۷ - قلعه مستحکم -ساقه زیرزمینی -مجموعه‌ای از

افقی:
۱- کارگاه نقاشی - مجانی
۲- یار عسذرا - منطق‌های نزدیک
کاشان - نفر ۳- جاودانگی -طن- ورزش توپ و چوگان ۴ - کمربند طبی -بزرگ انگلیسی- صد متر مربع -اجیر ۵- نقاش قدیمی -برج کج ایتالیا
۶- قوت لایموت - شخصیتی در شاهنامه - جمع امیر ۷- مکان - گرم -از سیارات منظومه شمسی
۸- دعوی کردن -سرطان خون - جانور تک سلولی
۹- کشورها -رانده شده -درخت کنار ۱۰- محبت -قوم آتیا- بجآوردن عهدو پیمان ۱۱- جای بحث و کاوش - آفریدگار ۱۲- حیران - گریزحیوان -تهی انگلیسی -دوش و کتف ۱۳- مالیدن - پیامبر صبور - درگیری ۱۴- نیروگاه شمال - شش دهم مقدار خون -نسب‌شناس ۱۵- دل را اسیر کردن -از بیماری‌های عفونی دستگاه تنفس

حل جدول ۱۴۷۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵
۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰
۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵
۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰
۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵
۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰
۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵
۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰
۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵	۲۱۶	۲۱۷	۲۱۸	۲۱۹	۲۲۰	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۵
۲۲۶	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸	۲۳۹	۲۴۰
۲۴۱	۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵
۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۲	۲۶۳	۲۶۴	۲۶۵	۲۶۶	۲۶۷	۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰
۲۷۱	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۴	۲۷۵	۲۷۶	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۹	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵
۲۸۶	۲۸۷	۲۸۸	۲۸۹	۲۹۰	۲۹۱	۲۹۲	۲۹۳	۲۹۴	۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸	۲۹۹	۳۰۰
۳۰۱	۳۰۲	۳۰۳	۳۰۴	۳۰۵	۳۰۶	۳۰۷	۳۰۸	۳۰۹	۳۱۰	۳۱۱	۳۱۲			